فصلنامهٔ علمی ـ پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۹

نابرابری اجتماعی در حوزهٔ فراغت

رسول صادقی*، اسماعیل بلالی**، احمد محمدپور***

طرح مسئله: *اوقات فراغت، عرصهٔ اجتماعی نوینی است که در بستر مدرنیته، تغییرات اجتماعی و فرهنگی معاصر معنا و اهمیت یافته است. مطالعهٔ فراغت به‌عنوان امری اجتماعی و فرهنگی و بررسی اشکال متمایز آن برحسب الگوهای مختلف نابرابری اجتماعی از حوزه‌های جدید مطالعاتی جامعه‌شناسی فراغت است. با توجه به اهمیت روزافزون این موضوع و همچنین ساختار جوان جمعیتی ایران، این مقاله به مطالعهٔ الگو و نحوهٔ گذران اوقات فراغت جوانان ۲۹-۱۵سالهٔ ایرانی و بررسی اشکال مختلف نابرابری اجتماعی در این الگوها و رفتارها می‌پردازد.*

روش: *روش تحقیق و منابع داده‌های بررسی مبتنی بر تحلیل ثانویهٔ داده‌های طرح ملی «ویژگی‌های اجتماعی اقتصادی خانوار۱۳۸۰» مرکز آمار ایران می‌باشد.*

یافته‌ها: *یافته‌های تحقیق بیان‌گر اهمیت نمادین فراغت در زندگی اجتماعی جوانان و رابطهٔ معنادار آن با اشکال مختلف تمایزات و نابرابری‌های اجتماعی در جامعه است.*

نتایج: *وضعیتی که در چارچوب آن جوانان دست‌رسی متفاوتی به فرصت‌ها و موقعیت‌های مرتبط با اوقات فراغت دارند و در نتیجهٔ الگوها و رفتارهای فراغتی متفاوتی را با توجه به ابعاد مختلف نابرابری اجتماعی یعنی نابرابری‌های فضایی، جنسیتی، قومیتی و طبقاتی تجربه می‌کنند.*

کلید واژه‌ها: جوانان، رفتار فراغتی، نابرابری اجتماعی، نابرابری جنسیتی، نابرابری فضایی، نابرابری قومی، نابرابری طبقاتی.

تاریخ دریافت: **۸۷/۷/۲۵** ***تاریخ پذیرش:*** **۸۸/۳/۱۲**

* دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران <rassadeghi@yahoo.com>

** دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه بوعلی‌سینا

*** دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه بوعلی‌سینا

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-19]

مقدمه

اوقات فراغت[1]، عرصهٔ اجتماعی نوینی است که در بستر مدرنیته، تغییرات فرهنگی ـ اجتماعی معاصر و رشد فرهنگ مصرف‌گرایی معنا و اهمیت یافته است. فراگیر شدن عناصر نوسازی به‌ویژه فرآیند صنعتی شدن، موجب ازهم گسیختگی و پاره‌پارگی فزآیندهٔ زندگی روزانهٔ افراد شده و در نتیجهٔ تفکیک فزاینده‌ای بین ساعات کاری و غیرکاری به‌وجود آمده است. از این‌رو، در جوامع جدید امکان فراغت بیش‌تری برای افراد فراهم شده است و اوقات فراغت به عرصه‌ای رو به گسترش همراه با تنوع روزافزونی تبدیل شده است تا جایی که امروزه از تمدن فراغت صحبت به میان می‌آید.

با توجه به گسترش الگوها و رفتارهای فراغتی در دوران معاصر و اهمیت یافتن آن در زندگی اجتماعی، جامعه‌شناسی اوقات فراغت به‌عنوان یکی از حوزه‌های نوین در جامعه‌شناسی ظهور پیدا کرد. گرچه جامعه‌شناسان اولیه نیز در رابطه با موضوع فراغت تا اندازه‌ای صحبت کرده بودند، اما تنها از دههٔ ۱۹۷۰ بود که این حوزه تحت عنوان متمایزی ظاهر شد. مطالعهٔ فراغت به عنوان امری اجتماعی و فرهنگی و بررسی تمایزات آن برحسب الگوهای مختلف نابرابری اجتماعی از زمینه‌های مهم مطالعاتی جامعه‌شناسی فراغت محسوب می‌شود. زیرا اشکال مختلف نابرابری اجتماعی نظیر نابرابری‌های طبقاتی، جنسیتی، قومی و فضایی، فعالیت‌ها و رفتارهای فراغتی افراد را به شدت تحت الشعاع خود قرار داده‌اند. به علاوه در جامعه و فرهنگ مصرفی مدرن، فراغت و نحوهٔ گذران آن نیز خود نمادی از نابرابری و تمایز اجتماعی محسوب می‌شود.

نابرابری اجتماعی[2]، وضعیتی است که در چارچوب آن افراد، خانواده‌ها و گروه‌ها در جامعه، دست‌رسی متفاوتی به فرصت‌ها و موقعیت‌های ساختار اجتماعی دارند. در زمان معاصر با توجه به رواج فرهنگ مصرف‌گرایی، مبنای نابرابری و قشربندی اجتماعی از روابط مبتنی بر ابزار تولید به سمت روابط مبتنی بر ابزار مصرف حرکت کرده است. از

1. leisure time 2. social inequality

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-19]

این‌رو، همان‌طور که پیر بوردیو[1] (۱۹۸٤) بیان می‌کند، امروزه تمایزهای اجتماعی را می‌توان در مجموعهٔ متنوعی از اعمال اجتماعی، از جمله اعمالی که مربوط به فراغت می‌شوند مانند تعطیلات، ورزش‌ها، مطالعه، موسیقی، سینما و سایر امور ذوقی مشاهده کرد. بر این اساس، یکی از نمودهای بارز نابرابری اجتماعی، نابرابری در اوقات فراغت و سبک زندگی می‌باشد.

با توجه به اهمیت روزافزون مطالعه، تمایزهای اجتماعی در حوزهٔ فراغت و همچنین ساختار جوان جمعیتی ایران*، این مقاله به مطالعهٔ الگوها و رفتارهای فراغتی جوانان ۲۹-۱۵ساله ایرانی و بررسی اشکال مختلف نابرابری اجتماعی در این زمینه می‌پردازد. در این راستا، پاسخ به پرسش‌ها مدنظر می‌باشد: الگوها و رفتارهای فراغتی جوانان در ایران چگونه بوده و اشکال مختلف نابرابری اجتماعی چگونه در آن‌ها نمود پیدا می‌کنند؟

رهیافت نظری

جامعه‌شناسی معاصر، برخلاف جامعه‌شناسی کلاسیک که عمدتاً به بحث فراغت در ارتباط با کار می‌پرداخت، به بررسی تمایزات اجتماعی فراغت روی آورده است. در خصوص ارتباط فراغت و نابرابری اجتماعی در جوامع معاصر، یکی از محورهای اصلی مورد بحث در میان اندیشمندان حوزهٔ جامعه‌شناسی فراغت این است که الگوهای فراغت تا چه حد همه‌گیر، جهان‌شمول و کم‌تر انحصارگرایانه هستند. در این زمینه دو دیدگاه مطرح شده است؛ «دیدگاه اول مدعی است که فراغت مانند سایر نهادهای مدرن، تحت‌تأثیر فرآیندهای

1. Bourdieu, P.

* یک سوم جمعیت ایران را جوانان ۲۹-۱۵ ساله تشکیل می‌دهند. دورهٔ جوانی با اوج تقاضاهای اجتماعی مختلفی همراه بوده که یکی از مهم‌ترین آن‌ها تقاضا برای اوقات فراغت می‌باشد. زیرا جوانان در مقایسه با سایر گروه‌های سنی، وقت آزاد، فرصت‌های بیش‌تر و مسئولیت‌های کم‌تری دارند. از این‌رو، با توجه به بافت جمعیتی جوان کشور و طولانی بودن دورهٔ جوانی(حدود ۱۵سال)، بررسی و شناخت الگوها و رفتارهای فراغتی جوانان، در امر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مهم و ضروری می‌باشد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-19]

دموکراتیزه شدن، بورژوازی شدن، همگن شدن، هم سطح یا توده‌ای شدن بوده است. در نتیجه بسترهایی که قبلاً در رفتار فراغتی تعیین‌کننده بودند (نظیر طبقه، جنسیت، نژاد و قومیت) به واسطهٔ تأثیر نیروهای نوسازی از اهمیت‌شان کاسته شده است. در این چارچوب، رابینسون و گادبی مفهوم «دموکراسی فراغتی» را مطرح کرده‌اند. بدین معنی آن چه که یک فرد در زمان فراغت انجام می‌دهد دیگر کم‌تر تحت‌تأثیر پایگاه یا جایگاه وی در ساختار اجتماعی است و بیش‌تر تحت‌تأثیر شخصیت، منافع فردی یا سبک زندگی وی می‌باشد»(McKey,1986). در مقابل این رویکرد، دیدگاه دیگری وجود دارد که در مورد دموکراتیزه شدن فراغت تردید دارد. مقالهٔ حاضر نیز در چارچوب دیدگاه اخیر به بررسی تمایزات و نابرابری‌های اجتماعی موجود در الگوها و رفتارهای فراغتی جوانان در ایران می‌پردازد.

محققان دیدگاه دوم بر این باورند که فراغت منعکس‌کنندهٔ نابرابری‌های اجتماعی جوامع صنعتی سرمایه‌داری است. در چارچوب این دیدگاه، برخی اندیشمندان با استفاده از نظریهٔ ماکس وبر سعی در تبیین ارتباط فراغت با نابرابری اجتماعی دارند و معتقدند اگرچه بیش‌تر موانع اقتصادی- اجتماعی، قومی/ نژادی و جنسیتی در رفتار فراغتی از اعتبار افتاده‌اند، اما نابرابری‌های اجتماعی در این حوزه همچنان پا برجا هستند. برای مثال، طبقات متوسط و متوسط به بالا تمایل به ورزش‌های فردی مثل تنیس، گلف، اسکی و قایق‌رانی دارند، در صورتی که اعضای طبقات پایین به‌ویژه مردان این طبقه تمایل به فوتبال، ورزش‌های رزمی مانند بوکس و تماشای ورزش‌های هیجانی نظیر کشتی حرفه‌ای و اتومبیل‌رانی سرعت دارند. دلایل اتخاذ چنین الگوهای متفاوت فراغتی عبارتند از:

۱. اعمال جامعه‌پذیری متفاوت و ارزش‌های اقتصادی ـ اجتماعی متنوع طبقات مختلف جامعه
۲. مجموعه‌های فرصتی[1] متفاوت در دست‌رس طبقات مختلف اقتصادی ـ اجتماعی

1.opportunity - sets

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-19]

۳. رفتارهای تبعیض‌آمیزی که آشکارا مانع فراغت طبقات پایین اجتماع و گروه‌های اقلیت بوده و مانع مشارکت فردی افراد این طبقات در فعالیت‌های ورزشی خاص می‌شوند. در این زمینه می‌توان به سیاست‌های انحصاری عضوگیری باشگاه‌های خصوصی اشاره داشت. مثال بارز این نابرابری‌ها در مشارکت بیش‌تر سیاه‌پوستان ایالات متحده امریکا در ورزش‌های بوکس، فوتبال، بسکتبال و بیس‌بال و مشارکت بسیار کم‌تر آن‌ها در ورزش‌هایی نظیر گلف، تنیس، ژیمناستیک و شنا می‌باشد. زیرا ورزش‌های نوع اول، ورزش‌های خیابانی هستند که نیاز به وسائل و امکانات کمی در دوره کودکی و بزرگسالی دارند. اما در مقابل، ورزش‌های نوع دوم اغلب مستلزم عضویت در یک باشگاه خصوصی و همچنین پرداخت مقادیر زیادی پول برای تدارک ابزار این نوع ورزش‌ها است (Ibid).

از این‌رو، در چارچوب دیدگاه دوم بررسی معیارهای اجتماعی تمایزات فراغتی همچنان یکی از محورهای اساسی پژوهش و نظریه‌پردازی در حوزهٔ جامعه‌شناسی فراغت می‌باشد. در این ارتباط، پیر بوردیو، جامعه‌شناس بزرگ معاصر و نظریه‌پرداز مطرح در حوزهٔ فراغت، تحقیقات طولانی و زیادی دربارهٔ فعالیت‌های فراغتی و سبک‌های زندگی انجام داد تا نشان دهد در نظام‌های سلطه، چگونه نابرابری‌های مبتنی بر طبقه پایدار می‌مانند. بوردیو معتقد است پرورش شخص در خانواده و طبقه‌ای خاص، بر انتخاب اوقات فراغت او بسیار تأثیرگذار است. بنابراین، علایق، سلیقه‌ها، خواست‌ها و برداشت‌های مربوط به فعالیت‌های فراغت، در دوران کودکی در درون خانواده‌ها و محیط اجتماعی پیرامون آن فرا گرفته می‌شود (هی‌وود و همکاران، ۱۳۸۰). همچنین پیر بوردیو معتقد است که زمینه‌های فراغتی را می‌توان به لحاظ میزان سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی کسانی که در آن‌ها جای دارند بررسی کرد و نقشهٔ اجتماعی و فرهنگی موقعیت اجتماعی و خط سیر اجتماعی آن‌ها را در جامعه ترسیم کرد(اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱). به طور خلاصه، پیر بوردیو در نظریهٔ تجربه و پویایی گزینش اوقات فراغت خود به موارد زیر پرداخته است:

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-19]

۱- افراد با توجه به تجربیات اوان زندگی خویش خواسته‌های ویژه و متفاوتی پیدا می‌کنند که بعدها به برداشت، سلیقه و علاقه تبدیل می‌گردد.
۲- این خواست‌ها قابلیت نقل مکان دارد، یعنی در تمام اشکال فعالیت فراغت و مصرف‌گرایی خودنمایی می‌کنند.
۳- افراد از نظر برداشتی که از فراغت و فعالیت‌های فراغتی دارند با همدیگر متفاوت هستند.
٤- سبک‌ها و فعالیت‌های گوناگون نیاز به انواع متفاوتی از شایستگی فرهنگی دارند.
٥- اهمیت فعالیت‌ها، فضاها و سبک‌های خاص فراغت به نحوهٔ توزیع آن‌ها در بین گروه‌های مختلف اجتماعی بستگی دارد.
٦- گزینه‌های فراغت از این اهمیت توزیعی سرچشمه می‌گیرند که علایق و سلیقه‌ها، ابزارهایی برای بریدن از جامعه می‌باشند (هی‌وود و همکاران، ۱۳۸۰).

یکی دیگر از نظریه‌پردازان این حوزه، تورستاین وبلن[1](۱۸۹۹)، پایه‌گذار جامعه‌شناسی فراغت می‌باشد که در «تئوری طبقهٔ تن‌آسا[2]» بر اهمیت فراغت و رابطهٔ آن با طبقات اجتماعی تأکید کرده است. به نظر وبلن، مصرف چشم‌گیر و سبک زندگی مبتنی بر رفاه و فراغت بیش‌تر، سراسر ساختار اجتماعی را فرا گرفته است. بنابراین، در یک فرهنگ رقابت‌آمیز، افراد طبقات پایین‌تر اجتماع تلاش می‌کنند تا با الگو قرار دادن سبک زندگی و فراغت طبقات بالا، به احترام و منزلت اجتماعی بیش‌تری دست یابند. از این‌رو، به‌زعم وبلن، مصرف چشم‌گیر، فراغت چشم‌گیر(تظاهری) و نمایش چشم‌گیر، نمادهای بلندپایه‌گی و وسایلی هستند که انسان‌ها تلاش می‌کنند تا با آن‌ها در چشم همسایگان‌شان برتر جلوه کنند و بدان وسیله برای خودشان نیز ارزش بیش‌تری قائل شوند.

1. Thostein Veblen
2. theory of the leisure class

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-19]

کن روبرتز[1] (۱۹۸۶ و ۱۹۷۸) صاحب‌نظر دیگری است که رویکردی تکثرگرا به فراغت داشته است. وی بر طیفی از الگوهای فراغتی در دسترس افراد تأکید داشته و فراغت را به عنوان فرآیندی شامل دو بعد آزادی و انتخاب تعریف می‌کند. کلارک و کریچر[2] (۱۹۸۵) نیز از اندیشمندانی بوده که دیدگاه انتقادی به حوزهٔ فراغت داشته و به بررسی اوقات فراغت در جامعهٔ سرمایه‌داری پرداخته و در این زمینه با نظریهٔ انتخاب روبرتز موافق نبودند. آن‌ها بر این باورند که سرمایه‌داری بر نحوه و شیوهٔ گذاران اوقات فراغت تأثیرات مشروط کننده و محدود کننده‌ای دارد. از نظر آنان اوقات فراغت میدان تنازع بین گروه‌های اجتماعی (به‌ویژه طبقات) است، اما این یک تنازع برابر نیست. طبقات سرمایه‌دار در موضع قدرتمندتری نسبت به طبقات فرودست در شکل بخشی به فراغت قرار دارند.

در خصوص رفتار فراغتی طبقات و گروه‌های مختلف جامعه، ریموند ویلیامز مدلی (نمودار شماره ۱) ارائه کرده است که به بحث‌های پیر بوردیو بسیار نزدیک است. بر اساس این مدل، منابع مادی و اجتماعی یک گروه، فرهنگ و زندگی روزمرهٔ آن گروه را شکل می‌دهد. زندگی روزمرهٔ گروه و فرهنگ آن، به‌وجود آورندهٔ تجربیات خاصی است که افراد بدان‌ها واکنش‌های احساسی خاصی نشان می‌دهند. زمانی که اعضای یک طبقهٔ اجتماعی در واکنش‌های احساسی اشتراک دارند، آن واکنش‌های الگودار به‌وجود آورندهٔ یک ساختار احساسی مبتنی بر طبقه‌اند. این ساختار احساسی مبتنی بر طبقه از طریق ذهنیت‌های طبقاتی فردی بیان می‌شود.

1. Roberts, K.
2. Clark, J and C. Critcher

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-19]

نمودار ۱، رابطهٔ بین فرهنگ و هویت‌های طبقاتی (نظیر فراغت) از نظر ریموند ویلیامز

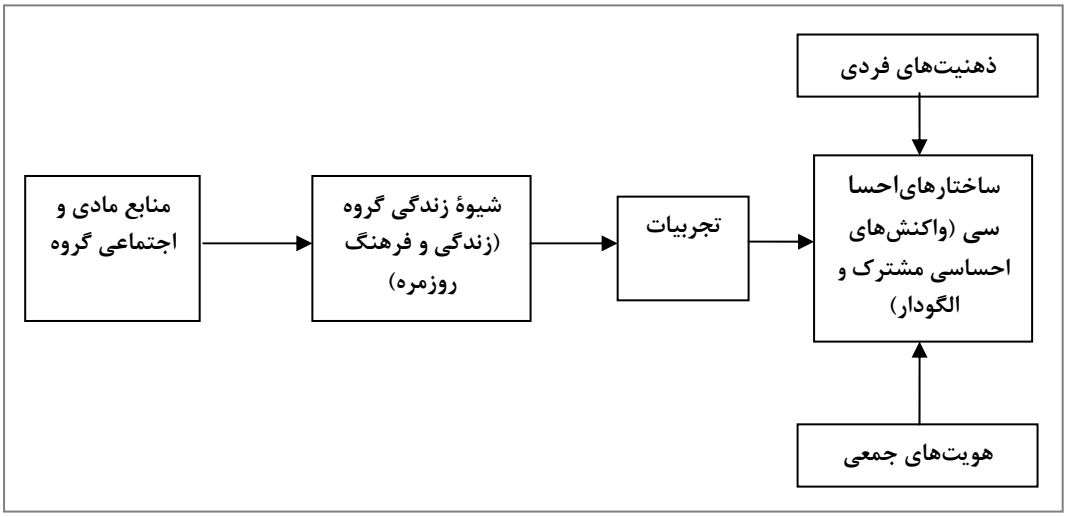

Source: Nenga, 2003: 171.

علاوه بر این‌ها، رویکردهای معاصر دیگری نیز در خصوص تمایزات اجتماعی در حوزهٔ فراغت وجود دارند که از آن جمله می‌توان به رویکرد روژک (۱۹۹۵) در بررسی اوقات فراغت و مقایسهٔ آن در دورهٔ مدرن و پست مدرن، نظریه اسکراتون و براهمام (۱۹۹۵) دربارهٔ اوقات فراغت و پست مدرنیته، نظریهٔ جان اوری (۱۹۹۰) در زمینهٔ «خیرگی توریست»، اشاره نمود که هر کدام به ابعاد و ویژگی‌های خاصی از اشکال در حال تغییر الگوها و رفتارهای فراغتی در عصر مدرن و پست مدرن پرداخته‌اند.

پیشینهٔ تحقیق

روبرتز (۱۹۷۸)، در مطالعه‌ای با عنوان عوامل اجتماعی فراغت، به بررسی تعیین‌کننده‌های فراغت در شهر لیورپول پرداخت. نتایج به دست آمده از این بررسی نشان داد اوقات

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-19]

فراغت زنان خانه‌دار جوان، بازنشسته و شاغل تمام وقت، تحت‌تأثیر کار آن‌ها نیست و تأثیرات طبقهٔ اجتماعی در نحوهٔ گذران اوقات فراغت هرچند اهمیت داشته اما آن عامل تعیین‌کننده‌ای نبوده است. کلارک و کریچر (۱۹۸۵) نیز در مطالعهٔ خود با عنوان تجاری شدن اوقات فراغت، با استفاده از رویکرد نو- مارکسیستی، بر نقش دولت و سازمان‌های سرمایه‌گذار در دست‌رسی به فرصت‌های فراغتی و نیز تأثیر وضعیت و جایگاه طبقاتی افراد در برآورده کردن نیازهای فراغتی تأکید دارند.

دیم[1] (۱۹۸۲) در یک مطالعهٔ موردی به موانعی در مسیر فراغت زنان نظیر عدم موافقت همسر، ممانعت از بیرون رفتن زنان به تنهایی، اجبار زنان به تنظیم کارهای عادی خانه‌داری و فعالیت‌های فراغتی خود با برنامهٔ کاری همسر، هزینه‌های بچه‌داری، فقدان امکانات فراغتی در حین بچه‌داری، درآمد پایین و ... اشاره می‌کند. این مطالعه چنین نتیجه می‌گیرد که بستر پدرسالارانه و مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی نظیر این‌ها عواملی هستند که تا حدودی دلیل مشارکت پایین زنان در فعالیت‌های فراغتی را نسبت به مردان تبیین می‌کند. گرین و همکارن[2] (۱۹۹۰) نیز در مطالعهٔ خود با عنوان تبیین فمنیستی اوقات فراغت، به این نتیجه رسیدند که عامل جنسیت به‌ویژه از طریق متغیرهای میانجی چون میزان زمان اضافی در دسترس، میزان درآمد شخصی، وضعیت اشتغالی، توقعات و انتظارات اجتماعی از زنان تأثیر زیادی بر میزان، شیوه و چگونگی استفاده از اوقات فراغت در بین زنان دارد. آنان با ارتباط دادن اوقات فراغت زنان به مشخصه‌های ساختاری سرمایه‌داری پدرسالارانه، معتقدند که کنترل‌های عمومی اجتماعی بر زنان فشارهای زیادی بر تحدید و جهت دادن به اوقات فراغت آن‌ها دارد.

در ایران، تحقیقات انجام شده در مورد فراغت عمدتاً متمرکز بر سه حوزهٔ:

۱- مسائل، مشکلات و نیازمندی‌های فراغتی جوانان،

1. Deem
2. Green and et al

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-19]

۲- نحوهٔ گذران اوقات فراغت در گروه‌های سنی خاص،
۳- توجه به تبعات اجتماعی و فرهنگی ناشی از کمبود امکانات فراغتی بوده است و کم‌تر تمایزات و نابرابری‌های اجتماعی در رفتارهای فراغتی مطالعه و بررسی شده است. با این حال، چند مطالعه این موضوع را مورد توجه قرار داده‌اند که از جملهٔ آن‌ها مطالعهٔ معیدفر(۱۳۸۳) می‌باشد که با توجه به داده‌های آماری یکی از طرح‌های ملی ابتدا وضعیت فعالیت، تحصیل، فراغت و مصرف کالاهای فرهنگی زنان در روستاهای ایران را توضیح داده و سپس با ارجاع به نظریه‌های فمنیستی تحلیلی از نابرابری و یا تمایز جنسی اوقات فراغت در روستاهای کشور ارائه نموده است. نتایج این تحقیق عمدتاً فرض‌های مبتنی بر نظام‌های اقتدارگرایانه پدرسالار و نظام تولید و تقسیم کار اجتماعی مبتنی بر جنسیت و ارزش‌ها و نگرش‌های معطوف به جنسیت را تقویت می‌کند. علاوه بر این مطالعه، برخی بررسی‌ها نیز در تحلیل الگوهای فراغتی متغیرها و مؤلفه‌های نابرابری را تحلیل و بررسی نموده‌اند. در این میان، می‌توان به مطالعه الهام‌پور و پاک‌سرشت(۱۳۸۲) اشاره کرد که در بررسی الگوی گذران اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه شهید چمران نشان دادند از نظر جنسیتی تفاوت‌های معنی‌داری بین علائق پسران و دختران و نوع و مخصوصاً مدت زمان پرداختن به این فعالیت‌ها دیده می‌شود. همچنین وضعیت‌های اجتماعی سه گانه (بالا، متوسط، پایین) نیز تفاوت‌هایی را در رفتارهای فراغتی آن‌ها به‌همراه داشته است.

روش تحقیق

روش تحقیق این مطالعه، تحلیل ثانویه[1] داده‌های طرح ملی«ویژگی‌های اجتماعی اقتصادی خانوار۱۳۸۰» مرکز آمار ایران می‌باشد که با همکاری مرکز تحقیقات علمی فرانسه، به روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسش‌نامهٔ ساخت‌یافته گردآوری شده

1. secondary analysis

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-19]

است. یکی از محورهای این طرح بررسی اوقات فراغت افراد می‌باشد. در این مقاله، به منظور پاسخ به پرسش‌های تحقیق، داده‌های مربوط به ۹۴۹۰ جوان ۲۹-۱۵ساله مورد بررسی در این طرح را مبنای مطالعه و تحلیل خود قرار داده‌ایم.

چارچوب مفهومی ـ عملیاتی فراغت

فراغت بخشی از گفتمان روزمرهٔ مردم است. مردم به راحتی در مورد آن صحبت می‌کنند و در مورد معنای آن اشتراک نظر دارند. مفهوم فراغت گاهی مرتبط با برخی فعالیت‌ها، برخی ویژگی‌ها و گاهی در پیوند یا تعارض با پدیده‌هایی متفاوت، کم و بیش مفهومی روشن و دقیق و دارای پیچیدگی کم‌تری در ادبیات عامه است. به استثنای اندیشمندان، مردم عموماً وقتی از فراغت صحبت می‌کنند معنای حرف همدیگر را می‌فهمند. آن‌ها به ندرت درگیر بحث‌ها در مورد ابعاد و معانی فراغت می‌شوند. کلمات بی‌شماری وجود دارند که ایده‌های یک فرد را در مورد فراغت بیان می‌کنند: «آزادی»، «تفریح» و نظایر آن. فراغت اغلب در معنایی که توجیه کنندهٔ فعالیت‌های فرد باشد و این که چرا چنین تفسیری از این فعالیت‌ها می‌شود به کار می‌رود. برای مثال، اظهاراتی نظیر «این یک ضرورت است»، «ما باید وقت آزاد داشته باشیم» در مکالمات روزمرهٔ ما رایج هستند. این اظهار نظرها باعث مشروعیت و حتی مشروعیت بیش از حد فراغت می‌شوند. خواه به این دلیل که کنش‌گران تمایل دارند رفتارشان را در حوزه‌ی که اغلب کم اهمیت در نظر می‌گیرند، مشروع جلوه دهند یا به این دلیل که آن‌ها واقعاً آن را مهم می‌دانند... از این رو، فراغت تعریفی اجتماعی و نمادین دارد و بر اساس نظام فرهنگی که فرد در آن قرار دارد تعریف می‌شود. در برخی فرهنگ‌ها و در میان بعضی گروه‌ها مثل جوانان، فراغت حتی از کار و خانواده هم مهم‌تر تلقی می‌شود(Pronovost,1988). بر این اساس، اندیشمندان اجتماعی از فراغت تعاریف مختلفی ارائه داده‌اند. در این‌جا، به تعریف ژوفر دومازیه(۱۳۸۱) از فراغت بسنده می‌کنیم. وی فراغت را چنین تعریف کرده است؛ فراغت مجموعه‌ای از اشتغالاتی است که فرد کاملاً به رضایت خاطر خود یا برای استراحت، یا برای تفریح، یا به‌منظور توسعهٔ اطلاعات، یا

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-19]

آموزش غیرانتفاعی، یا مشارکت اجتماعی داوطلبانه، بعد از آزاد شـدن از الزامـات شـغلی، خانوادگی و اجتماعی به آن می‌پردازد (دومازیه، ۱۳۸۱: ۱۵۶-۱۵۵).

علاوه بر تعریف فراغت، از رفتار فراغتی نیز طبقه‌بندی‌های مختلفی ارائه شـده اسـت. کارلسون(۱۹۷۹) پس از بررسی تعاریف گوناگون اوقات فراغت، به طبقه‌بندی آن در چهار طبقهٔ فرهنگی، دینی، فعالیتی و وقت آزاد پرداخته است. سازمان ملی جوانان ایـران(۱۳۸۱) براساس طبقه‌بندی فردی- جمعی و فعال- غیرفعال، فعالیت‌های فراغتی را در چهار طبقـهٔ فردی/ فعال، فردی/ غیرفعال، جمعی/ فعال و جمعـی/ غیرفعـال مـورد بررسـی قـرار داده است. در مقالهٔ حاضر، مبنای مفهومی- تحلیلی اوقات فراغت، معیار زمانی بـوده کـه در آن افراد بدون اجبار، صرف اموری می‌کنند کـه بـه دور از انگیـزه‌هـای اقتـصادی یـا وظـایف خانوادگی و به منظور ایجاد سرگرمی و فراهم آوردن امکانات رشـد فکـری و جـسمی بـه انجام آن‌ها پرداخته‌اند. نحوهٔ گذران این اوقات، با توجه به تکنیک بودجهٔ زمـان، بـسته بـه مورد برای دوره‌های زمانی یک‌سال، یک‌ماه و یک هفته قبل از بررسی، به صـورت جـدول شمارهٔ ۱ طبقه‌بندی، مورد پرسش و تحلیل قرار گرفته است:

جدول ۱، مقوله‌های فراغتی مورد بررسی در مقاله

الگوها و رفتارهای فراغتی جوانان بر مبنای معیار زمان		
یک‌سال قبل از بررسی	یک‌ماه قبل از بررسی	یک هفته قبل از بررسی
فعالیت ورزشی و نوع آن تماشای مسابقات ورزشی فعالیت هنری و نوع آن تماشای تئاتر و نمایش شرکت در کنسرت موسیقی بازدید از موزه‌ها و نمایشگاه‌ها فعالیت و عضویت درگروه‌های اجتماعی مسافرت و شرکت در اردوها و تورها	رفتن به سینما رفتن به پارک، باغ‌وحش و گردش در طبیعت بازی و سرگرمی شرکت در آداب و مراسم مذهبی برگزاری مهمانی، دیدار اقوام و دوستان	زمان مطالعهٔ آزاد کتاب زمان مطالعهٔ آزاد روزنامه و مجله زمان گوش دادن به رادیو زمان تماشای تلویزیون زمان استفاده از ویدئو، سی‌دی و ضبط‌صوت

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-19]

یافته‌ها و نتایج تحقیق

در این بخش از مقاله ضمن مروری بر ویژگی‌های جمعیتی نمونهٔ مورد مطالعه، به بررسی ابعاد و الگوهای مختلف گذران اوقات فراغت و اهمیت آن در زندگی روزمرهٔ جوانان پرداخته و سپس وجوه متفاوت نابرابری اجتماعی را در این زمینه مورد کندوکاو و بررسی قرار داده‌ایم.

مشخصه‌های جمعیتی نمونه

از تعداد ۹۴۹۰ جوان ۲۹-۱۵ساله مورد بررسی در این مطالعه، ٤۹ درصد را مردان جوان و ۵۱ درصد را زنان جوان تشکیل می‌داده است. ۵۹ درصد نمونه ساکن در شهر و ٤۱ درصد ساکن در روستا بوده، به لحاظ تحصیلات ٤/۳ درصد بی‌سواد، ۲۰ درصد تحصیلات ابتدایی، ٤۳ درصد تحصیلات راهنمایی یا متوسطه و ۳۳ درصد تحصیلات دیپلم و بالاتر داشته‌اند، همچنین بیش از نیمی از پاسخ‌گویان از خانواده‌های طبقهٔ متوسط به لحاظ اقتصادی و اجتماعی* بوده‌اند. به لحاظ وضعیت تأهل، ٦۵ درصد مجرد و ۳۵ درصد متأهل بوده‌اند. از نظر تعلق قومی ـ زبانی، ٤۵/٦ درصد فارس، ۲٤/۸ درصد ترک، ۹/٦ درصد لر، ٦/٤ درصد کرد، ٤/۳ درصد مازندرانی، ۳/٤ درصد عرب، ۲/۸ درصد گیلک، ۲/٤ درصد بلوچ و ۰/٦ درصد ترکمن بوده‌اند.

الگوها و رفتارهای فراغتی جوانان

۱) رفتارهای فراغتی جوانان در یک‌سال قبل از بررسی

الگوها و رفتارهای فراغتی جوانان در یک‌سال قبل از بررسی در قالب مقوله‌هایی نظیر

* طبقهٔ اجتماعی خانوار به عنوان مفهومی سه بعدی، شامل ابعاد اقتصادی (سرمایهٔ مادی)، منزلتی(سرمایهٔ اجتماعی) و معرفتی(سرمایهٔ فرهنگی)، در نظر گرفته شده است. ثروت و دارایی(مالکیت کالاها و دارایی‌های بادوام)، کل درآمد ماهانهٔ خانوار و هزینهٔ سرانهٔ ماهانهٔ خانوار به عنوان معرف‌های بعد اقتصادی و منزلت شغلی به عنوان معرف بعد منزلتی طبقه منظور شده است، همچنین میزان سواد رسمی نیز معرف بعد معرفتی طبقه و پایگاه اجتماعی محسوب شده است. هر سه بعد روی مقیاس سه درجه‌ای سنجش شده و در ساختن شاخص طبقهٔ اجتماعی از وزن یکسانی برخوردار بوده‌اند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-19]

فعالیت و عضویت در گروه‌های اجتماعی، فعالیت‌های ورزشی و هنری، بازدید از اماکن و برنامه‌های فرهنگی، اردو و مسافرت مورد بررسی قرار گرفته است. نمودار شمارهٔ ۲ میـزان مشارکت جوانان در این فعالیت‌های فراغتی برای یک‌سال قبل از بررسی را نشان می‌دهد:

نمودار ۲، الگوها و رفتارهای فراغتی جوانان در یک‌سال قبل از بررسی (درصد)

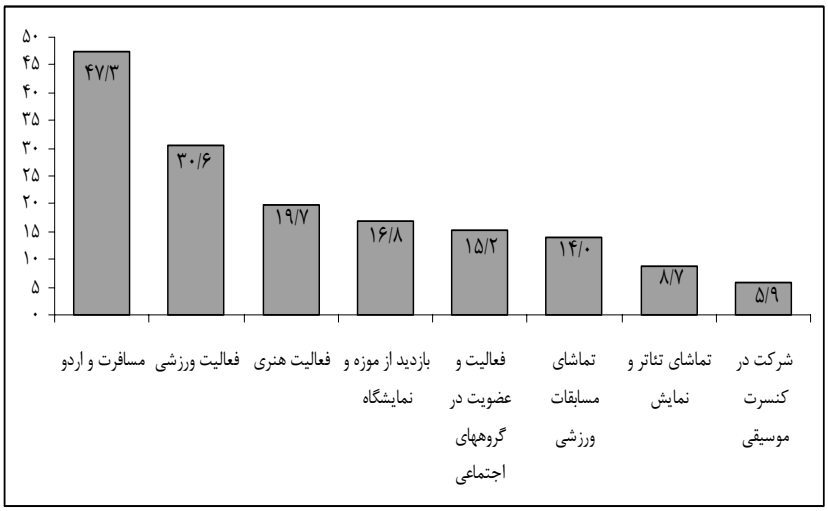

فعالیت و عضویت درگروه‌های اجتماعی: گرایش به دیگران و اجتماع وجه مهمـی از حیات انسانی است که در برابر نیازهای مادی و اقتصادی، برقراری ارتباط با دیگران را بـه عنوان هدف رابطه مدنظر دارد و آن‌چه را از آن به عنوان «اجتماع جامعه‌ای» یـاد مـی‌شـود قوام می‌بخشد. این نوع فعالیت را که محور آن تعامل و رابطـه بـا دیگـران اسـت، فعالیـت اجتماعی می‌نامیم. در این پژوهش، فعالیت و عضویت جوانان در گروه‌های اجتماعی نظیـر بسیج، هیات امنای مساجد، انجمن‌های علمی و فرهنگی، سـازمان‌هـای غیردولتـی NGOS مورد بررسی قرار گرفت و بر اسـاس نتـایج تنهـا ۱۵/۲ درصـد جوانـان نمونـه در اوقـات فراغت خود به عضویت و فعالیت در گروه‌های اجتماعی پرداخته‌اند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-19]

ورزش: ورزش، بـه عنـوان پدیـده‌ای اجتمـاعی و فرهنگـی در سـال‌هـای اخیـر در جامعه‌شناسی از اهمیت چشم‌گیری برخوردار بـوده اسـت. زیـرا یکـی از جنبـه‌هـای مهـم ورزش، اجتماعی‌کردن و فرهنگ‌پذیر نمودن افراد است. طبق تئـوری بـازی هربـرت میـد، رعایت قواعد، چگونگی ایفای نقش، همکاری با دیگران و غیـره در فعالیـت‌هـای جمعـی ورزشی آموخته می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که ۳۰/٦ درصد جوانـان در اوقـات فراغـت خود در یک‌سال قبل از بررسی در یکی از فعالیت‌های ورزشی یا آموزش‌های وابسته به آن مشارکت داشته‌اند. فعالیت ورزشی عمدهٔ جوانان در اوقات فراغت، فوتبـال(٤١/٢ درصـد) بوده است و پس از فوتبال به ترتیب به ورزش‌های همگانی(١٤/٣ درصـد)، بـدن‌سـازی و پرورش اندام (١٣ درصد)، والیبال(٨ درصد)، ورزش‌هـای رزمـی(٦/٤ درصـد)، شـنا (٣/١ درصد)، کشتی (٢/٧ درصد)، بسکتبال (٢/٦ درصد)، کوهنوردی (٢/٤ درصد)، بدمینتون (١ درصد) و سایر ورزش‌ها (٥/٣ درصد) پرداخته‌اند. همچنین، ١٤ درصـد جوانـان در طـول یک‌سال قبل از بررسی، حداقل یک‌بار به تماشـای مـسابقات ورزشـی در محـل برگـزاری مسابقه (استادیوم، ورزشگاه، فضای سبز، زمین بازی و ...) رفته‌اند. از این‌رو، ورزش بخشی از اوقات فراغت جوانان را شکل می‌دهد، اعم از این که در آن مشارکت فعال داشته یا فقط ناظر و تماشاچی بوده‌اند.

فعالیت هنری: یافته‌ها نشان می‌دهد که تنها ١٩/٧ درصـد جوانـان در اوقـات فراغـت خود، در یکی از فعالیت‌های هنری یا آموزش‌های وابسته به آن در یک‌سال قبل از بررسـی مشارکت داشته‌اند. علاوه براین، توزیع نوع فعالیت هنری نشان می‌دهد که فعالیـت هنـری عمدهٔ جوانان، صنایع دستی بوده است. به طوری‌که، حدود ٦٢ درصد جوانان در این زمینـه فعالیت داشته‌اند. هم چنین نقاشی(١٢ درصد)، خوش‌نویـسی(٥/٦ درصـد)، موسـیقی(٤/٩ درصد)، طراحی(١/٥ درصد) و سایر فعالیت‌های هنری(١٤/٤ درصد) در زمرهٔ فعالیت‌هـای هنری مورد توجه جوانان در گذران اوقات فراغت‌شان بوده است.

بازدید از اماکن فرهنگی: در زمینه بازدید از اماکن و شرکت در برنامه‌هـای فرهنگـی در اوقات فراغت، یافته‌ها نشان می‌دهد که ١٦/٨ درصد جوانان در یک‌سال قبل از بررسـی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-19]

از موزه‌ها و نمایشگاه‌های آثار هنری، تاریخی، صنعتی و یا نمایشگاه‌های کتاب بازدید نموده‌اند. همچنین، ۸/۷ درصد جوانان در یک‌سال قبل از بررسی به تماشای تئاتر و نمایش رفته‌اند و ۵/۹ درصد نیز به شنیدن موسیقی در کنسرت‌های موسیقی پرداخته‌اند.

اردو و مسافرت: بدون تردید، یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های فرهنگی ـ فراغتی که می‌تواند به شکل خانوادگی و معمولاً در ایام معینی از سال صورت گیرد، مسافرت است (محسنی، ۱۳۷۹). در این زمینه یافته‌ها نشان می‌دهد ٤٧/٣ درصد جوانان در یک‌سال قبل از بررسی حداقل یکبار در اردوها و تورها شرکت داشته‌اند یا به مسافرت رفته‌اند. از بین این افراد، ٤٤/٥ درصد یک بار، ٢٣/٥ درصد دوبار و ٣٢ درصد سه بار و بیش‌تر به اردو و مسافرت رفته‌اند.

۲) رفتارهای فراغتی جوانان در یک‌ماه قبل از بررسی

رفتارهای فراغتی جوانان در یک‌ماه قبل از بررسی در قالب مقوله‌هایی نظیر شرکت در مراسم و مناسک مذهبی، مهمانی و دیدار اقوام، رفتن به سینما، بازی و سرگرمی، تفریح در پارک و گردش در طبیعت مورد بررسی قرار گرفته است. میزان حضور و مشارکت جوانان در این مقوله‌های فراغتی به‌صورت نمودار شمارهٔ ۳ می‌باشد:

نمودار ۳، الگوها و رفتارهای فراغتی جوانان در یک‌ماه قبل از بررسی (درصد)

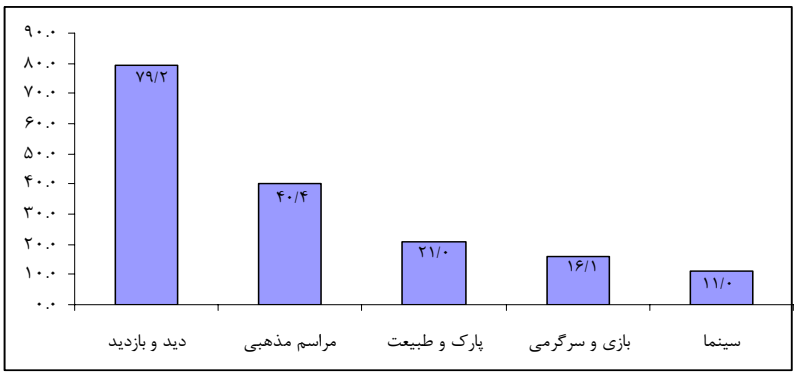

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-19]

شرکت در مراسم مذهبی: یکی از ابعاد وجودی انسان، گرایش به امر مقدس و ماوراء است که او را به فعالیت دینی و مذهبی می‌کشاند. با این شاخص می‌توان بعد رفتاری دین داری یا به عبارتی مناسک دینی را تا حد زیادی سنجید. حول همین نوع فعالیت، شبکه‌ای از روابط در جامعه پدید می‌آید که از آن می‌توان به «اجتماع دینی» یاد کرد (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۵: ۱۳۸۱). در این زمینه یافته‌ها نشان می‌دهد که ٤٠/٤ درصد جوانان بخشی از اوقات فراغت خود را به شرکت در مراسم مذهبی اختصاص داده‌اند و به طور متوسط تقریباً چهار مرتبه در ماه در این مراسم شرکت داشته‌اند.

مهمانی و دیدار اقوام: شاخص حضور جوانان در مراسم مهمانی، دیدار اقوام، دوستان و آشنایان نشان می‌دهد که ۷۹/۲ درصد جوانان مورد بررسی در یک‌ماه قبل از بررسی حداقل یک‌بار در مراسم مهمانی اقوام و دوستان، جشن‌های عروسی، تولد، مراسم عزا و... حضور داشته‌اند. متوسط شرکت افراد در این مراسم ۵/٦ بار در ماه بوده است. از این‌رو، می‌توان گفت که دیدار اقوام و دوستان، در جریان زندگی خانوادگی قرارگرفتن و به جا آوردن صلهٔ ارحام از شیوه‌های عادی، متداول و کم خرج گذران اوقات فراغت در بین جوانان می‌باشد.

رفتن به سینما: یافته‌ها نشان می‌دهد که ۱۱ درصد جوانان در اوقات فراغت خود در یک‌ماه قبل از بررسی حداقل یک بار به منظور تماشای فیلم به سینما رفته‌اند.

بازی و سرگرمی: بازی و سرگرمی، زمینه‌ساز تقویت همکاری گروهی، زیربنای تشکیل گروه‌های اجتماعی و تبدیل «من» به «ما» می‌باشد. عامل بازی همواره در فرآیند فرهنگ فعال بوده است و بسیاری از صورت‌های زندگی اجتماعی را ایجاد کرده است. «دیوید فراست، معتقد است که بازی چیزی بیش‌تر از تفریح و شادی است، جوانان در حین بازی راه‌های مختلف تمرین دادن نیروهای خود، کشف توانایی‌های جدید و ابراز هیجانات‌شان را پیدا می‌کنند و در حین بازی برای اولین بار با مشکلات اجتماعی بیرون از خانه مواجه می‌شوند، همچنین حسن همراهی و رفاقت معمولاً برای اولین بار در هنگام

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-19]

شرکت در بازی‌های گوناگون تجربه می‌گردد» (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱). بر این اساس، بازی و سرگرمی به عنوان یک مقولهٔ اجتماعی ـ فرهنگی در بین جوانان مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد که تنها ۱۶/۱ درصد جوانان اظهار داشته‌اند که در یک‌ماه قبل از بررسی، به بازی و فعالیت‌های سرگرم کننده مانند بازی‌های کامپیوتری و... در منزل یا مراکز تفریحی پرداخته‌اند.

تفریح در پارک و گردش در طبیعت: تفریح در پارک و گردش در طبیعت از جمله فعالیت‌های فراغتی می‌باشد. در این زمینه، حدود ۲۱ درصد جوانان گفته‌اند که برای گذران اوقات فراغت در یک‌ماه قبل از بررسی به تفریح و گردش در پارک و طبیعت پرداخته‌اند.

۳) رفتارهای فراغتی جوانان در یک هفته قبل از بررسی

رفتار فراغتی جوانان در یک هفته قبل از بررسی، عمدتاً در قالب مصرف کالاهای فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است. مصرف کالاهای فرهنگی، مقوله‌ای فراغتی است که عمدتاً با توسعهٔ صنعت فرهنگ مرتبط می‌باشد. در این‌جا می‌خواهیم بدانیم که چه نسبت از جوانان و با چه نسبت از زمان در اوقات فراغت خود به مصرف کالاهای فرهنگی می‌پردازند. نتایج بررسی همان‌طور که در نمودار شمارهٔ ٤ منعکس شده، نشان می‌دهد که سهولت دست‌رسی به رسانهٔ تلویزیون، برد و گستردگی آن، کمبود سایر امکانات فراغتی یا هزینه بر بودن آن‌ها موجب شده است که در میان کالاهای فرهنگی، تلویزیون پرمصرف‌ترین رسانه در بین جوانان باشد. به طوری‌که، هر جوان به طور متوسط، در هفته ۱۸ ساعت از اوقات فراغت خود را به تماشای برنامه‌های تلویزیونی اختصاص می‌دهد، به عبارتی در صورت امید زندگی ۷۰ سال و تداوم این میزان تماشا، از عمر ۷۰ سالهٔ آن‌ها تقریباً ۷/۵ سال به تماشای تلویزیون سپری می‌شود. پس از تلویزیون، در مرتبه‌های بعدی استفاده از ویدئو، سی‌دی و ضبط صوت به مدت ۳ ساعت و ٤۳ دقیقه، مطالعهٔ کتاب به مدت ۱ ساعت و ٤٥ دقیقه، مطالعه روزنامه و مجلات به مدت ۱ ساعت و نیم و گوش دادن به رادیو به مدت ۱ ساعت و ۲۷ دقیقه در هفته قرار دارد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-19]

رسانه‌های صوتی و تصویری

زمان تماشای تلویزیون: در میان کالاهای فرهنگی، تلویزیون پرطرف‌دارترین رسانه می‌باشد. به طوری که، ۹۲/۸ درصد جوانان اظهار داشته‌اند که از بینندگان برنامه‌های تلویزیونی در یک هفته قبل از بررسی بوده‌اند و حتی اکثر آن‌ها (۸۵ درصد) بیش از هفت ساعت در یک هفته قبل از بررسی به تماشای تلویزیون پرداخته‌اند. به طور متوسط، هر جوان روزانه ۲ ساعت و ۳٤ دقیقه از اوقات فراغت خود را به تماشای تلویزیون اختصاص می‌دهد. تنوع برنامه‌های تلویزیونی از یک سو و دست‌رسی آسان و ارزان به آن نسبت به سایر کالاهای فراغتی از سوی دیگر بر اهمیت این رسانه در گذران اوقات فراغت جوانان افزوده است.

زمان گوش‌دادن به رادیو: یافته‌ها نشان می‌دهد که ۷۵/۳ درصد جوانان اظهار داشته‌اند که در یک هفته قبل از بررسی اصلاً از رادیو استفاده نکرده‌اند، ۱۲/٤درصد کم‌تر از سه ساعت و نیم، ۷/۱ درصد سه ساعت و نیم تا هفت ساعت و ۵/۲ درصد بیش از هفت ساعت در هفته از مخاطبین رادیو بوده‌اند. به طور متوسط، هر جوان روزانه ۱۲ دقیقه از اوقات فراغت خود را به گوش دادن به رادیو اختصاص می‌دهد.

زمان استفاده از ضبط‌صوت و ویدئو: یافته‌ها نشان می‌دهد که ۵۱/۸ درصد جوانان در یک هفته قبل از بررسی از ضبط صوت، سی‌دی و ویدئو اصلاً استفاده نکرده‌اند. ۱۷/۹ درصد کم‌تر از سه ساعت، ۱٤/۲ درصد سه ساعت و نیم تا هفت ساعت و ۱٦ درصد بیش از هفت ساعت در هفته در اوقات فراغت‌شان از این کالاهای فرهنگی استفاده نموده‌اند. به طور متوسط، هر جوان روزانه ۳۲ دقیقه از اوقات فراغت خود را به استفاده از ضبط‌صوت، سی‌دی و ویدئو اختصاص می‌دهد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-19]

نمودار ٤، الگو و رفتار فراغتی جوانان در یک هفته قبل از بررسی
(متوسط هفتگی زمان استفاده از کالاهای فرهنگی)

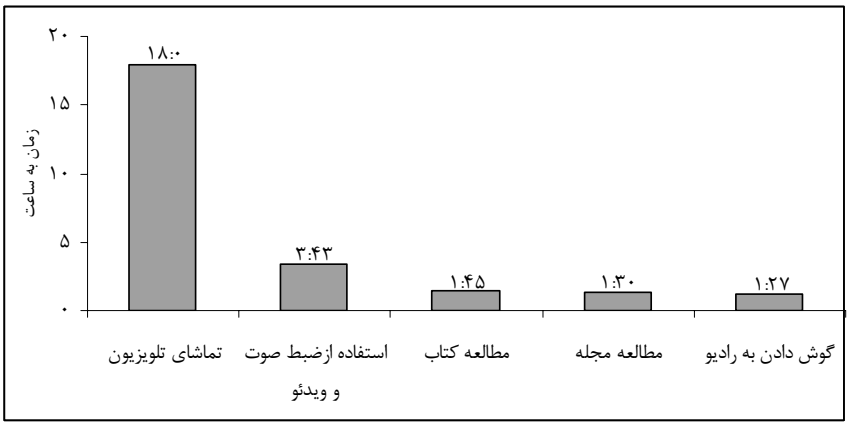

رسانه‌های مکتوب

زمان مطالعهٔ آزاد کتاب: مطالعهٔ کتاب به عنوان یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین کالاهای فرهنگی محسوب می‌شود. نتایج بررسی نشان می‌دهد که ٦٦/٥ درصد جوانان باسواد نمونه در یک هفته قبل از بررسی، هیچ‌گونه مطالعهٔ آزاد کتاب نداشته‌اند. ۱۸/۷ درصد کم‌تر از سه و نیم ساعت، ۹ درصد حدود سه و نیم تا هفت ساعت و ۵/۸ درصد بیش از هفت ساعت در هفتهٔ قبل از بررسی به مطالعهٔ آزاد کتاب پرداخته‌اند. به‌طور متوسط، جوانان باسواد مورد بررسی روزانه ۱۵ دقیقه از اوقات فراغت خود را به مطالعه آزاد کتاب اختصاص می‌دهند.

زمان مطالعهٔ آزاد روزنامه و مجله: در میان رسانه‌های نوشتاری، مجلات که تنوع زیادی از نظر موضوع، دورهٔ انتشار، مخاطبان و... دارند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. یافته‌ها در این زمینه نشان می‌دهد که حدود ۵۹/۸ درصد جوانان باسواد نمونه در یک هفته قبل از بررسی، هیچ مجله‌ای مطالعه نکرده‌اند، ۲۷/٦ درصد کم‌تر از سه و نیم ساعت،

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-19]

۹/٦ درصد سه و نیم تا هفت ساعت و ۳/۱ درصد بیش از هفت ساعت در هفته قبل از بررسی به مطالعهٔ آزاد روزنامه و مجله پرداخته‌اند. به طور متوسط، هر جوان باسواد روزانه ۱۳ دقیقه از اوقات فراغت خود را به مطالعهٔ آزاد روزنامه و مجله اختصاص می‌دهد.

نابرابری اجتماعی در الگوها و رفتارهای فراغتی جوانان

در این بخش از مقاله به بررسی ابعاد و اشکال مختلف نابرابری اجتماعی در الگوها و رفتارهای فراغتی جوانان در قالب نابرابری‌های جنسیتی، طبقاتی، فضایی و قومی پرداخته‌ایم که نتایج تحلیلی آن در جداول شمارهٔ ۲ و ۳ ارائه شده است.

نابرابری جنسیتی

جنسیت نوعی ساختار اجتماعی است و به استنباط جامعه از رفتار، ویژگی‌ها و نقش‌های مناسب برای مردان و زنان مربوط می‌شود. بر اساس جنسیت طیفی از دلالت‌ها و توجیهات در مورد رفتار مناسب اجتماعی وجود دارد که فعالیت‌های اوقات فراغت را توضیح می‌دهد. در این چارچوب، زنان نسبت به مردان بر مبنای سه عامل کلیدی فراغت یعنی زمان، فعالیت و فضا، از وضعیت نامساعدی برای فراغت برخوردارند. وقت آن‌ها برای فعالیت‌های فراغتی محدود است، فضاهای فیزیکی و اجتماعی که زنان می‌توانند در آن‌جا به فعالیت‌های فراغتی بپردازند، محدود است و در نتیجه گزینه‌های فعالیت فراغتی آن‌ها محدود می‌باشد(رفعت‌جاه، سایت انسان‌شناسی ایران). بنابراین در حوزهٔ فراغت، زنان با کمبود زمان، کمبود فضاهای فراغتی و محدودیت گزینه‌های فراغتی مواجه‌اند.

مشارکت پایین زنان در حوزه‌های ورزش، فراغت و نظایر آن، دال بر این است که استثمار در یک حوزه تقویت‌کنندهٔ استثمار در سایر حوزه‌ها است و مجموع این استثمارها به صورت انباشته بر کیفیت زندگی زنان تأثیر می‌گذارد(Dempsy,1989). در این ارتباط، ادبیات اوقات فراغت و جامعه‌شناسی فراغت بیان‌گر نوعی نابرابری جنسیتی در حوزهٔ

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-19]

فراغت می‌باشد. مطالعات ملی انجام شده در ایالات متحده نشان می‌دهند که مردان بیش‌تر از زنان در فعالیت‌های فراغتی سازمان‌یافته داوطلبانه شرکت می‌کنند و بیش‌تر از زنان احتمال دارد که به ورزش‌های منزلت‌آور و قدرتی روی آورند(McKey,1986). زنان اغلب مشارکت در فعالیت‌های فراغتی معاشرتی، تفریحات مرتبط با تیمارگری، رفتن به نشست‌های گروهی و سایر فعالیت‌های تفریحی عمومی را کمی بیش‌تر از مردان انجام می‌دهند(Ibid).

گرین و همکاران(۱۹۹۰) به طور مشخص‌تری به تأثیر جنسیت در اوقات فراغت پرداخته‌اند. از نظر آن‌ها مفهوم «سرمایه‌داری پدرسالارانه» مشخصهٔ مهمی برای توضیح چگونگی شکل‌گیری و محدود بودن فرصت‌های تفریحی زنان است. به زعم آن‌ها نقش‌های جنسیتی نقش مهمی در مطالعات فراغت بازی می‌کنند و جنسیتی‌شدن حوزهٔ اجتماعی بر طیف وسیعی از فعالیت‌های فراغتی مؤثر بوده است. کلارک و کریچر(۱۹۸۵) نیز در تأثیر جنسیت بر گزینش فرصت‌ها و اوقات فراغت بیان می‌کنند؛ زنان وقت کم‌تری برای اوقات فراغت دارند، در بیش‌تر فعالیت‌های فراغتی، کم‌تر مشارکت می‌کنند و دامنهٔ گزینه‌های فراغتی آنان محدودتر است. همچنین آنان بیش‌تر اوقات فراغت خود را در خانه و خانواده می‌گذرانند.

یافته‌های مطالعه حاضر نیز بیان‌گر وجود نابرابری جنسیتی در الگوها و رفتارهای فراغتی جوانان در ایران می‌باشد. این نابرابری‌ها و تفاوت‌ها در برخی از مقوله‌های فراغتی محسوس‌تر می‌باشد. در حوزه‌های فراغتی که عمدتاً محدود به فضای درون خانه می‌باشند نظیر فعالیت‌های هنری، تماشای تلویزیون و مطالعهٔ آزاد کتاب، حضور و مشارکت زنان بیش‌تر از مردان بوده است. در مقابل، رفتار فراغتی مردان در حوزه‌های فراغتی که عمدتاً مسلتزم حضور در فضای عمومی جامعه و خروج از خانه می‌باشد نظیر فعالیت‌های ورزشی، عضویت و فعالیت در گروه‌های اجتماعی، انجام بازی و سرگرمی، گردش در پارک و طبیعت، رفتن به سینما، شرکت در کنسرت موسیقی، مطالعه روزنامه و مجله، استفاده از ویدئو و ضبط صوت بیش‌تر از زنان بوده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-19]

محسوس‌ترین تفاوت و نابرابری جنسیتی رفتار فراغتی مردان و زنان جوان در فعالیت‌های هنری و ورزشی دیده می‌شود. به طوری‌که زنان ٤/٥ برابر بیش‌تر از مردان به انجام فعالیت‌های هنری به ویژه صنایع دستی در اوقات فراغت خود می‌پردازند و در مقابل سه برابر کم‌تر از مردان در انجام فعالیت‌های ورزشی، گذران اوقات فراغت دارند. بنابراین مردان جوان بیش‌تر از زنان جوان در ورزش‌ها و بازی‌های اجتماعی رقابتی مانند فوتبال و ورزش‌های رزمی شرکت می‌کنند، در صورتی که زنان در اوقات فراغت خود بیش‌تر در فعالیت‌های خانگی سنتی و صنایع دستی درگیر می‌شوند. محدودیت زنان در جامعه برای حضور در فضاهای باز ورزشی، کمبود امکانات ورزشی برای بانوان و جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی مرتبط با ورزش از دلایل حضور کمرنگ زنان در عرصه‌های ورزشی می‌باشد. علاوه بر این، ارزش‌ها و هنجارهای خاص هر جامعه و تنظیمات نهادی حاکم بر آن، فعالیت‌های ورزشی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. برای مثال، در فرهنگ ما پرداختن زنان به فوتبال و کشتی چندان مورد قبول عرف و ارزش‌های حاکم بر جامعه نیست. به همین دلیل حضور زنان در این عرصه‌ها بسیار کم‌رنگ می‌باشد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-19]

جدول ۲، نابرابری اجتماعی در الگوها و رفتارهای فراغتی جوانان

(مقوله‌های فراغتی برای مدت زمان یک‌سال قبل از بررسی)

نابرابری اجتماعی		عضویت و فعالیت در رده‌های اجتماعی (٪)	فعالیت‌های ورزشی: شرکت در فعالیت ورزشی (٪)	نوع فعالیت ورزشی (٪): فوتبال	ورزش‌های همگانی	بدنسازی و پرورش‌اندام اندام	والیبال	ورزش‌های شنا	سایر ورزش‌ها	تماشای مسابقات	شرکت در فعالیت‌های هنری	تماشای تئاترو نمایش (٪)	شرکت در کنسرت موسیقی	بازدید از موزه و نمایشگاه	شرکت در مسافرت و
جنسیتی	مرد	۱۸/٤	٤٥/۹	٥٥/۸	۷/٤	۱۳/۲	۲/۸	۱/٥	۱۲/۳	۲٤/۸	۷/۰	۹/۰	٦/٤	۱۷/٦	٤٦/٦
	زن	۱۲/۱	۱٦/۱	۱/۳	۳۳/۲	۱۳/۰	۲۲/۲	۷/٦	۱۸/٥	۳/۸	۳۱/۹	۸/٥	٥/۲	۱٦/۲	٤۷/۹
		**	**				**			**	**	ns	*	ns	ns
فضایی	روستا	۱٤/۷	۲٤/۱	٥۸/٤	۱۳/۹	٤/۹	۸/۸	۰/۱	۹/۳	۸/۳	۱٥/۳	۳/۹	۲/۲	٦/٦	۳٥/۰
	شهر	۱۸/٥	۳٥/۲	۳۳/۱	۱٤/٦	۱٦/۸	۷/٦	٤/٥	۷/۳	۱٦/٦	۲۲/۸	۱۲/۱	۸/٤	۲۳/۸	٥٥/۷
		*	**				**			**	**	**	**	**	**
طبقاتی	پایین	۱٥/۲	۲٦/۱	٥۲/٤	۱۱/۷	۹/٦	۹/۳	۰	۸/٤	۱۲/۰	۱۳/۳	٦/٦	۳/۲	۱۰/۹	۳٦/۱
	متوسط	۱٥/۰	۲۹/۰	٤۱/٦	۱٤/٥	۱۲/٤	۸/۲	۲/۲	٦/۷	۱۳/۸	۱۹/۲	۷/۲	٤/۳	۱٤/۰	٤٥/۳
	بالا	۱٦/۰	٤۱/۰	۳٤/٦	۱٥/۱	۱٦/٦	۱٦/٦	۷/۳	٤/٥	۱٦/٤	۲٦/٦	۱٦/٦	۱٤/۳	۳۲/٥	٦٤/۰
		ns	**				**			*	**	**	**	**	**
قومی	فارس	۱٤/۸	۳۳/۸	۳۹/٦	۱۳/۲	۱٤/٥	۷/٥	٤/٦	٦/٦	۱۳/۸	۲۲/۰	۱۰/۳	٦/۹	۲۱/۱	٥۳/۱
	ترک	۱٥/۰	۲۷/٦	۳۷/٦	۱۸/۹	۱۳/٤	٦/۳	۲/٦	٦/۹	۱۳/٤	۱۷/۰	۸/۲	٦/۸	۱٤/۲	٤۲/۹
	لر	۲۱/۲	۲۷/۲	٤۸/٦	۷/۲	۱۰/۰	۱۳/۷	۰/۸	٥/٦	۱٤/۷	۱٥/۳	۸/۰	٤/۰	۱٥/۲	٤٥/۱
	کرد	۱٦/٦	۲٥/۷	۳٤/٤	۲٦/۱	۱۲/۱	٥/۷	۰/٦	۷/٦	۱٥/۸	۱۹/۱	۹/۰	٤/۷	۱۲/٤	٦۱/۳
	عرب	۱۱/۲	۳۰/۳	٦۲/۲	۱٥/۳	۱٤/۳	۰	۲/۰	۰	۱۱/۱	۱٥/٥	٦/۸	۳/٤	۱۸/۹	۳٥/٦
	مازنی	۱۷/٥	۳۸/٤	٥۱/۰	۹/٦	٦/٤	۱٤/٦	۰/٦	٥/۷	۱٦/۱	۲۳/۷	۲/۲	۱/۷	۳/٤	۳۲/۳
	گیلکی	۱۷/۷	۳۱/٥	۳٥/۷	۱۰/۷	۱۰/۷	۱۳/۱	۰	۱۰/۷	۲٤/۳	۱٦/۹	۱۱/۲	٥/٦	۱۸/٤	٤۲/۳
	بلوچ	۰/٤	۱٥/٥	۷۱/٤	۸/٦	٥/۷	۲/۹	۰	۲/۹	٤/۹	۲۱/۲	۰/۹	۰	۱/۸	۱۳/۷
	ترکمن	۰	۲۳/۳	۲۸/٦	۰	۷/۱	۲۱/٤	۰	۷/۱	۲۱/۷	۳۳/۳	۰	۰	۳/۳	۲٦/۷
		**	**				**			*	**	**	**	**	**

نکته: ns غیر معنادار، ** تفاوت معنی‌دار در سطح ۹۹ درصد اطمینان * تفاوت معنی‌دار در سطح ۹۵ درصد اطمینان

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-19]

از این‌رو، بر اساس یافته‌های بررسی می‌توان گفت که ورزش، فعالیتی بیش‌تر مردانـه و هنر، فعالیتی بیش‌تر زنانه محسوب می‌شوند. جنسیتی شدن فراغت، انعکاسی از تقسیم کـار و نقش‌های جنسیتی در دو عرصهٔ عمومی (دنیای مردانه) و خصوصی (دنیای زنانه) زندگی اجتماعی است. بدین ترتیب، جنسیت یکی از اشکال بارز تمایزات اجتماعی اسـت کـه بـه ناهمگونی و نابرابری در فراغت منتهی می‌شود.

نابرابری طبقاتی

در ارتباط با طبقه و رفتار فراغتی، مطالعات انجام شده بیـان‌گـر آن اسـت کـه افـراد دارای درآمد و طبقهٔ بالاتر، سطح مشارکت بالاتری را در فعالیت‌های فراغتی نسبت به افراد دارای درآمد و طبقهٔ پایین دارند (McKey,1986). یافته‌ها و نتایج این بررسی نیز ماهیت متمایز و متفاوت الگوها و رفتارهای فراغتی جوانان را برحسب پایگاه طبقاتی افراد نشان مـی‌دهـد. در تمام مقوله‌های فراغتی، به غیر از عضویت و فعالیت در گروه‌های اجتماعی، تفاوت‌های معنی‌دار آماری در میان سطوح پایگاه طبقاتی افراد وجود دارد(جداول ۲و۳). جوانان متعلق به طبقهٔ اجتماعی بالا نسبت به طبقات اجتماعی متوسط و به‌ویـژه طبقـهٔ پـایین در اوقـات فراغت خود بیش‌تر به فعالیت‌های ورزشی و هنری، بازدید از اماکن و برنامه‌های فرهنگی، مراسم مهمانی، بازی و سرگرمی، رفتن به پارک و گردش در طبیعـت، مطالعـهٔ آزاد کتـاب، مجله و روزنامه، استفاده از ویدئو و ضبط صوت می‌پردازند. در مقابل، جوانان منتـسب بـه طبقهٔ بالا کم‌تر از سایر طبقات به شرکت در مراسم و مناسک مذهبی، تماشای تلویزیـون و گوش دادن به رادیو می‌پردازند.

بدین ترتیب، عضویت و مشارکت در فعالیت‌های فراغتی ارتباط معنـی‌داری بـا پایگـاه اقتصادی ـ اجتماعی افراد دارد. بر ایـن اسـاس، پایگـاه طبقـاتی از عوامـل تمـایزبخش در عرصهٔ اوقات فراغت محسوب می‌شود و نابرابری طبقاتی در رفتارها و فعالیت‌های فراغتی جوانان، به ویژه فعالیت‌های فراغتی هزینه‌بر، نمود عینی پیدا می‌کند. بنابراین می‌توان گفـت

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-19]

که طبقات مختلف جامعه هم دست‌رسی متفاوتی به منابع و فعالیت‌های فراغتی دارند و هم الگوها و سبک‌های فراغتی متفاوتی را دنبال می‌کنند.

نابرابری فضایی

یافته‌های بررسی بیان‌گر ماهیت متمایز و متفاوت رفتارها و الگوهای فراغتی جوانان شهری و روستایی در ایران می‌باشد. به طوری که رفتار فراغتی جوانان شهری و روستایی به غیر از تماشای برنامه‌های تلویزیون در سایر حوزه‌های فراغتی تفاوت معناداری داشته است. جوانان روستایی در اوقات فراغت خود تنها در گوش دادن به رادیو نسبت به جوانان شهری پیشقدم بوده‌اند و در سایر رفتارهای فراغتی از جوانان شهری عقب‌تراند. جوانان شهری در اوقات فراغت خود حدود چهار برابر بیش‌تر از جوانان روستایی به بازدید از کانون‌ها و برنامه‌های فرهنگی پرداخته‌اند (اصولاً چنین مراکزی در نقاط روستایی وجود ندارد). همچنین جوانان شهری بیش از دو برابر جوانان روستایی در اوقات فراغت خود به ورزش و تماشای مسابقات ورزشی، بازی و سرگرمی، گردش در طبیعت و پارک به قصد تفریح، مطالعهٔ آزاد کتاب، مجله و روزنامه می‌پردازند.

از این‌رو، یافته‌های تحقیق بیانگر نابرابری فضایی در اکثر الگوها و فعالیت‌های فراغتی جوانان می‌باشد و این تفاوت‌ها و نابرابری‌ها به ویژه در زمینه‌هایی که نیازمند وجود کانون‌ها، منابع و امکانات فراغتی است، بسیار محسوس‌تر می‌باشد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-19]

جدول ۳، ابعاد نابرابری اجتماعی در الگوها و رفتارهای فراغتی جوانان
(مقوله‌های فراغتی برای مدت زمان یک‌ماه و یک هفته قبل از بررسی)

نابرابری اجتماعی		مقوله‌های فراغتی برای مدت زمان یک‌ماه قبل از بررسی (٪)					متوسط زمان هفتگی‌استفاده ازکالاهای فرهنگی(به ساعت)				
							رسانه‌های مکتوب		رسانه‌های صوتی و تصویری		
		شرکت در مراسم و مناسک مذهبی	حضور در مراسم مهمانی و دیداراقوام و آشنایان	رفتن به سینما	انجام بازی و سرگرمی	رفتن به پارک و گردش درطبیعت	مطالعهٔ کتاب	مطالعهٔ مجله و روزنامه	تماشای تلویزیون	گوش دادن به رادیو	استفاده از ویدئو، ضبط‌صوت
جنسیتی	مرد	٤٠/٠	٧٨/٣	١٤/٠	٢٠/٠	٢٥/٢	١: ٢٧	١: ٤٠	١٦: ٢٦	١: ٢٧	٣: ٥٢
	زن	٤١/٨	٨٠/١	٨/٠	١٢/٣	١٦/٨	٢: ٠٢	١: ٢٠	١٩: ٣٢	١: ٢٦	٣: ٣٥
		ns	ns	**	**	**	**	**	**	ns	*
فضایی	روستا	٣٦/٧	٧٧/٣	٤/٣	١٠/٠	١٣/٥	١: ١٨	٠: ٥٩	١٧: ٤٢	١: ٣٨	٣: ١٠
	شهر	٤٢/٩	٨٠/٦	١٥/٥	٢٠/٢	٢٦/١	٢: ٠٢	١: ٥٠	١٨: ٠٤	١: ١٩	٤: ٠٦
		**	**	**	**	**	**	**	ns	**	**
طبقاتی	پایین	٣٧/٤	٧٠/٩	٨/٠	١٢/٥	١٨/٧	١: ٣٥	١: ٠٩	١٦: ٤٨	١: ١٣	٣: ١٣
	متوسط	٤٠/٣	٧٩/٧	٩/٣	١٤/٤	١٩/٦	١: ٥١	١: ٢٣	١٨: ٢٧	١: ٣٦	٣: ٤١
	بالا	٣٤/٠	٨٣/٧	١٩/٧	٢٥/٤	٢٧/٧	٢: ٢٧	٢: ١٠	١٨: ٠٥	١: ٠١	٤: ١٦
		*	**	**	**	**	**	**	*	**	**
قومی	فارس	٤٤/٠	٧٨/٧	١٢/٣	١٨/٠	٢١/٦	١: ٥١	١: ٣٥	١٧: ٣٨	١: ١٠	٣: ٢٣
	ترک	٣٦/٦	٧٤/٩	٩/٠	١٢/٢	١٤/١	١: ٤٤	١: ٢٥	١٨: ٣٩	١: ٤٨	٤: ٠٩
	لر	٤٠/٧	٨٠/٤	١٢/٦	١٨/٥	٣٢/٨	١: ٤٥	١: ٢٧	١٥: ٤٠	٢: ٢٠	٣: ٢٢
	کرد	٢٩/١	٨٥/٣	٨/٠	٢١/٤	٢٢/٩	١: ٥١	١: ٢٢	٢٠: ٠٨	١: ١٣	٥: ٤٢
	عرب	٥٢/٠	٩٧/٢	١٩/٢	١٥/٥	٤٤/٩	١: ١٨	٢: ٠٣	١٩: ٢٠	٠: ٥٠	٤: ١٩
	مازنی	٥٣/٥	٨٤/١	٥/٦	٦/٦	١٥/٢	١: ٠٤	١: ٢٥	٢٣: ١٥	٠: ٤٠	٣: ١٩
	گیلکی	٣٨/٦	٧٧/٩	١٠/٩	٢٥/٥	١٧/٦	١: ٣٦	١: ٣٣	١٨: ٥٩	٠: ٤٣	٣: ٠٤
	بلوچ	٦/٦	٧٧/٠	٤/٩	٥/٣	٩/٣	١: ٤٩	٠: ٢٩	٩: ٣٦	٠: ٤٦	٢: ٢٩
	ترکمن	٢٠/٠	٩٠/٠	٦/٧	٥/٠	١٥/٠	٠: ٢٦	٠: ٥٨	٢٠: ٤٥	١: ٠٥	٣: ٠١
		**	**	**	**	**	**	**	**	**	**

نکته: ns غیر معنادار ** تفاوت معنی‌دار در سطح ۹۹ درصد اطمینان * تفاوت معنی‌دار در سطح ۹۵ درصد اطمینان

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-19]

نابرابری قومی

مطالعهٔ نژاد و قومیت یک حوزهٔ مهم در تحقیقات اوقات فراغت می‌باشد. زیرا درک تفاوت‌های فرهنگی در رفتار فراغتی و معنای آن یک نیاز ضروری تحقیقاتی می‌باشد (Chavez,2000). در این ارتباط یافته‌های بررسی حاضر، بیان‌گر وجود نوسانات قومی محسوس در الگوها و رفتارهای فراغتی جوانان در ایران می‌باشد.

- جوانان متعلق به گروه قومی ـ زبانی فارس بیش‌تر از سایر گروه‌های قومی، در اوقات فراغت خود به شرکت در برنامه‌ها و بازدید از اماکن فرهنگی نظیر تماشای تئاتر، شرکت در کنسرت موسیقی، بازدید از موزه‌ها و مطالعه آزاد کتاب می‌پردازند.
- جوانان ترک بیش‌تر از سایر گروه‌های قومی در اوقات فراغت شان در کنسرت‌های موسیقی شرکت داشته‌اند.
- جوانان لر بیش‌تر از سایر گروه‌های قومی، در اوقات فراغت خود به فعالیت و عضویت در گروه‌های اجتماعی و گوش دادن به رادیو پرداخته‌اند.
- جوانان کرد بیش‌تر از سایر گروه‌های قومی در اوقات فراغت خود به مسافرت و شرکت در اردوها پرداخته و همچنین از ویدئو، سی‌دی و ضبط صوت استفاده کرده‌اند.
- جوانان عرب بیش‌تر از سایر گروه‌های قومی در اوقات فراغت خود به مطالعه مجله و روزنامه، رفتن به پارک، سینما و مراسم مهمانی پرداخته‌اند.
- جوانان مازندرانی بیش‌تر از سایر گروه‌های قومی در اوقات فراغت خود به شرکت در مراسم و مناسک مذهبی، انجام فعالیت‌های ورزشی و تماشای تلویزیون پرداخته‌اند.
- جوانان گروه قومی گیلکی بیش‌تر از سایر گروه‌های قومی در اوقات فراغت‌شان به بازی و سرگرمی پرداخته‌اند.
- جوانان گروه قومی ترکمن بیش‌تر از سایر گروه‌های قومی در اوقات فراغت خود به انجام فعالیت‌های هنری و تماشای مسابقات ورزشی در محل برگزاری مسابقه می‌پردازند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-19]

از این‌رو، جوانان ایرانی برحسب تعلق قومی، الگوها و رفتارهـای فراغتـی متفـاوتی را تجربه می‌کنند. برای تبیین چنین تفاوت‌های قومی در رفتار فراغتـی، دو فرضـیه تئـوریکی ارائه شده است. یکی فرضیه حاشیه‌ای بودن[1] است که به منابع اقتصادی محدود اقلیت‌های قومی، نابرابری‌ها در دست‌رسی به منابع، فرصت‌ها و فضاهای فراغتی می‌پـردازد. دیگـری فرضیهٔ قومی[2] می‌باشد که تفاوت‌های قومی در الگوها و رفتارهای فراغتی را به تفاوت‌های آن‌ها در نظام‌های ارزشی، هنجارها و الگوهـای جامعـه‌پـذیری فراغتـی[3] نـسبت مـی‌دهـد (Hutchinson 1987, Chavez 2000). از این‌رو، در کنار نابرابری قومی در دست‌رسـی بـه فرصت‌ها و منابع فراغتـی، ارزش‌هـای فراغتـی متفـاوت گـروه‌هـای قـومی نیـز در تبیـین نابرابری‌های قومی در حوزهٔ فراغت دارای اهمیت می‌باشد.

بر این اساس، یافته‌های بررسی از یک‌سو، از وجود نابرابری‌ها و تفاوت‌های قـومی در الگوها و رفتارهای فراغتی جوانان حمایت مـی‌کننـد و از سـوی دیگـر، یافتـه‌هـا بیـان‌گـر ترجیحات قومی و فرهنگی در ارتباط با رفتارها و الگوهـای فراغتـی مـی‌باشـد. از ایـن‌رو می‌توان گفت که بخشی از نابرابری قومی در رفتار فراغتی بـه ارزش‌هـای خـرده فرهنگـی متفاوت گروه‌های قومی در معنا و اهمیت اوقات فراغت در زندگی اجتماعی آن‌ها مربـوط است و بخش دیگری از آن ناشی از نابرابری قومی در دسـت‌رسـی بـه منـابع و فـضاهای فراغتی می‌باشد.

نتیجه‌گیری

نتایج بررسی بیان‌گر اهمیت نمادین فراغت در زندگی اجتماعی جوانان و رابطهٔ معنـادار آن با تمایزات و نابرابری‌های اجتماعی در جامعـه مـی‌باشـد. وضـعیتی کـه در چـارچوب آن جوانان در جامعه، دست‌رسی متفاوتی به فرصت‌ها و موقعیت‌های مرتبط با اوقات فراغـت

1. marginality hypothesis 2. ethnicity hypothesis 3. leisure- socialization

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-19]

دارند و در نتیجه الگوها و رفتارهای فراغتی متفاوتی را با توجه به ابعاد مختلف نابرابری‌های اجتماعی یعنی نابرابری‌های فضایی، جنسیتی، قومی و طبقاتی تجربه می‌کنند.

بر اساس نتایج مطالعه، رفتارها و فعالیت‌های فراغتی مانند سایر فعالیت‌های اجتماعی به اقتضای تفکیک و تمایزی که در جامعه وجود دارد، از پایگاه و موقعیت افراد در جامعه تأثیر می‌پذیرد. دختران جوان عمدتاً برای گذراندن اوقات فراغت خود در جامعه نه تنها با نابرابری فرصت‌های اجتماعی بلکه با موانع فرهنگی جدی مواجه هستند، آن‌ها نابرابری‌هایی را در زمان فراغت و دست‌رسی به منابع و فضاهای فراغتی تجربه می‌کنند. بنابراین، پایگاه و نقش مردانه و زنانه، یکی از عوامل مهم تمایزبخش در بیش‌تر الگوها و رفتارهای فراغتی جوانان محسوب می‌شود و کلیشه‌های جنسیتی در اوقات فراغت نمود عینی پیدا می‌کنند. بدین معنی که دختران در بیش‌تر زمینه‌ها و فعالیت‌های فراغتی، به ویژه در فعالیت‌هایی که متضمن حضور در عرصهٔ عمومی است، حضور کمرنگ‌تری نسبت به پسران دارند. در تبیین رفتار محدود فراغتی دختران و زنان جوان، علاوه بر محدودیت فضاهای فراغتی برای آن‌ها، می‌توان بر رویکردهای فرهنگی ـ اجتماعی نابرابری جنسیتی نیز تأکید داشت. بر این اساس، نابرابری جنسیتی در رفتارهای فراغتی، ناشی از موقعیت اجتماعی، نقش‌های اجتماعی، تقسیم کار جنسیتی، کلیشه‌ها و باورهای جنسیتی در جامعه می‌باشد.

علاوه بر نابرابری جنسیتی، نتایج بررسی نشان‌دهندهٔ نابرابری فضایی (تفاوت‌های روستا ـ شهری) در اکثر الگوها و فعالیت‌های فراغتی جوانان می‌باشد. این تفاوت‌ها و نابرابری‌ها به‌ویژه در زمینه‌هایی که نیازمند وجود کانون‌ها و امکانات فراغتی است، بسیار محسوس‌تر است. همچنین نتایج مطالعه نشان می‌دهد که اوقات فراغت مبنایی طبقاتی دارد و تفکیک و قشربندی طبقاتی در عرصهٔ اوقات فراغت، همچون عرصه‌های دیگر، می‌تواند عامل تفاوتی و نایکسان‌گر باشد. بین افراد طبقات پایین و بالا در مورد استفاده از فراغت به‌ویژه در زمینه‌هایی چون تفریح و سرگرمی، ذایقه فرهنگی و روابط اجتماعی، تفاوت‌هایی وجود دارد و افراد قشر کم‌درآمد بسیار کم‌تر از سایر طبقات برای تفریح خود هزینه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-19]

می‌کنند. بنابراین، به تناسب این‌که جوانان به کدام قشر و طبقه تعلق دارند، دارای امکانـات متفاوتی برای اوقات فراغت‌اند. البته در این زمینه روحیه و روان‌شناسی طبقاتی و قشری و جامعه‌پذیری متفاوت آن‌ها نیز می‌تواند الگوی فراغتی جوانان را تحت‌تأثیر قرار دهد.

یکی دیگر از نتایج این مطالعه، وجود نوسانات قومی در الگوهـا و رفتارهـای فراغتـی جوانان می‌باشد. تفاوت‌ها و نابرابری‌های قومی در حوزه‌های فراغت می‌تواند هم ناشـی از نابرابری قومی در دست‌رسی به منابع و فرصت‌های فراغتی باشد و هم ناشی از تفـاوت در ترجیحات قومی و فرهنگی در ارتباط با فعالیت‌های تفریحی و فراغتی باشد.

بدین ترتیب، یافته‌های بررسی نشان می‌دهد که در مورد الگوهـا و رفتارهـای فراغتـی جوانان در ایران، نظریات آن دسته از اندیشمندانی که معتقد به وجود تمایزات اجتماعی در الگوها و رفتارهای فراغتی در دوران معاصر به جهت حضور اشکال مختلف سلطه بودنـد، درست‌تر است و مطابقت بیش‌تری با فرضیات آن‌ها دارد. به عبارت دیگر، نمی‌توانیم ادعـا کنیم که به یک دموکراسی فراغتی در جامعه ایران رسیده‌ایم، زیرا هنوز نابرابری‌های ناشـی از انواع سلطهٔ جنسی، طبقاتی، قومی و فـضایی همچنـان متغیرهـای تعیـین‌کننـدهٔ فراغـت هستند. بر این اساس، در جامعهٔ ایران فراغت با ساز وکارهای گونـاگون خـود همچنـان از موقعیت ساختاری افراد و نابرابری‌های اجتماعی موجود در جامعه تأثیر می‌پـذیرد و رفتـار فراغتی جوانان از درون مجموعـه‌ای از فیلترهـای اجتمـاعی از جملـه جنـسیت، قومیـت، محل‌سکونت و طبقهٔ اجتماعی می‌گذرد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-19]

منابع و مآخذ

References

- اباذری، یوسف و حسین چاوشیان. (۱۳۸۱)، **از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی؛ رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی**، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، صص ۲۷-۳.
- الهام‌پور، حسین و محمدجعفر پاک سرشت. (۱۳۸۲)، **بررسی الگوی گذران اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه شهید چمران**، مجله علوم تربیتی و روانشناسی، دوره سوم، سال دهم، شماره‌های ۳ و ٤، صص ٦٢-۳۹.
- دومازدیه، ژوفر. (۱۳۸۱)، **مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی فراغت**، درکتاب خانواده، آموزش و فرهنگ، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سازمان ملی جوانان. (۱۳۸۱)، **بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان**، تهران: اهل قلم.
- رفعت جاه، مریم، تأثیر **جنسیت بر اوقات فراغت**، قابل دسترس در سایت http: //anthropology.ir/node/3154
- محسنی، منوچهر. (۱۳۷۹)، **نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی فرهنگی ایرانیان**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- معیدفر، سعید. (۱۳۸۳)، **تمایز جنسی روستائیان در کار، فراغت، فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی**، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۲، صص ۲۰۰-۱۷۹.
- هنری، لئوبی و دیگران. (۱۳۸۱)، **اوقات فراغت و سبک‌های زندگی جوانان**، ترجمه مرتضی ملانظر و فرامرز ککولی دزفولی، تهران: انتشارات سازمان ملی جوانان.
- هی وود، لس و همکاران. (۱۳۸۰)، **اوقات فراغت**، ترجمه محمد احسانی، تهران، نشر امید دانش.
- وبلن، تورستاین. (۱۳۸۳)، **نظریه طبقه مرفه**، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۳۸۱)، **یافته‌های طرح پژوهشی فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی**، دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-19]

References منابع و مآخذ

- Chavez, D. J. (2000)**, Invite, Include and Involve: Racial Groups, Ethnic Groups, and Leisure**, Pp. 179-191, in Allison, M and I. E. Schneider (eds). Diversity and the Recreation Profession: Organizational Perspectives. State College, PA: Venture Publishing.
- Clark, J. and C. Critcher (1985), **The Devil Makes Work: Leisure in Capitalist Britain**, London: Mcmillan Press.
- Dempsy, K. (1989), **Women's leisure: A Study in Subordination and Exploitation**, 25.
- Green, E., S. Hebron and D. Woodward (1990), **Women's Leisure, What Leisure**? London: Mcmillan Press.
- Hutchinson, R. (1987), **Ethnicity and Urban Recreation: Whites, Blacks and Hispanics in Chicago's Public Parks**, Journal of Leisure Research, 19, Pp. 205-222.
- McKey, J. (1986), **Leisure and Social Inequality in Australia**, Journal of Sociology, No.22.
- Nenga, S. K. (2003), **Social Class and Structures of Feeling in Women's Childhood Memories of Clouding, Food and Leisure**, Journal of Contemporary Ethnography, No.32
- Pronovost, G. (1988), **The Social Meaning of Leisure**, International Sociology, No. 3.
- Roberts, K. (1978), **Contemporary Society and the Growth of Leisure**, New York: Longman Press.
- Roberts, K. (1986), **Leisure,** in Martin Haralambos, Developments in Sociology, Vol, 2, Ormskirk: Causeway Press.
- Rojek, C. (1995), **Decentring Leisure: Rethinking Leisure Theory**, London: Sage Publication Ltd.
- Scranton, S. and P. Bramham (1995), **Leisure and Postmodernity**, In, M. Haralambos, Martin Haralambos, Developments in Sociology, Vol, 11, Ormskirk: Causeway Press.
- Veblen, T. (1899) **The Theory of the Leisure Class**, Online in www.blackmask.com/openebook/totlc.pdf
- Urry, J. (1990), **The Tourist Gaze: Leisure and Travel in Contemporary Societie**s, London: Sage Publication Ltd.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-19]